

جایگاه وحی در فلسفه سیاسی فارابی و ابن سینا

مجموعه نظریات ابن سینا، با جرح و تعدیل، قابل ارجاع به نظریات فارابی است و بر این پایه می توان از یک نظریه جامع و مرجع وحی در نزد فارابی و ابن سینا سخن گفت.



مجموعه نظریات ابن سینا، با جرح و تعدیل، قابل ارجاع به نظریات فارابی است و بر این پایه می توان از یک نظریه جامع و مرجع وحی در نزد فارابی و ابن سینا سخن گفت.

به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام والمسلمین احمدرضا یزدانی مقدم، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و نویسنده کتاب جایگاه وحی در فلسفه سیاسی به مناسبت رحلت حضرت رسول(ص) در یادداشتی به دیدگاه فارابی و ابن سینا درباره وحی و تقریر نظریه آئینگی وحی الهی پرداخته است:

دیدگاه های فارابی در تبیین وحی

اول؛ فارابی در فصول منتزعة از موحی الیه ای یاد می کند که جزئیات، یعنی آخرین مراتب قانونگذاری، به او وحی می شود. بدین ترتیب وحی و موحی الیه یادشده خارج از حوزه فلسفه سیاسی خواهند بود، زیرا فلسفه سیاسی ناظر به کلیات است و نه جزئیات ...

دوم؛ فارابی در السیاسة المدنیة از وحی به مثابه افاضه قوه قانونگذاری یاد می کند. این مرتبه یا گونه از وحی با فلسفه سیاسی همراه است. با این تفاوت که فلسفه سیاسی مبتنی بر روش قیاسی است؛ در حالی که وحی، حاصل روش قیاسی نیست.

سوم؛ فارابی در الملة علاوه بر وحی جزئیات قوانین و وحی به مثابه افاضه قوه قانونگذاری؛ از وحی ترکیبی هم یاد می کند. به این ترتیب که در برخی موارد جزئیات قوانین به موحی الیه وحی می شود و در برخی موارد موحی الیه بر پایه قوه ای که از وحی استفاده کرده خود قانونگذاری می کند.

چهارم؛ فارابی در مبادی آراء اهل المدينة الفاضلة فرایندی را برای وحی ترسیم می کند که از افاضه عقل فعال به عقل مستفاد یا منفعل آغاز و با افاضه از ناطقه نظری و عملی به متخیله و از متخیله به حس مشترک و از حس مشترک به حواس و سپس فضای محیط به حواس و برگشت به حواس و حس مشترک پایان می یابد. در این افاضه، معقولات افاضه می شود و متخیله معقولات را به جزئیات تبدیل می کند.

فارابی در مبادی آراء اهل المدينة الفاضلة همچنین از اخبار و اذار هم سخن می گوید و در پایان گیرندگان وحی را از جهت گرفتن معقولات یا جزئیات، در خواب یا بیداری، و ترکیب rlm&های گوناگون حالات یادشده تقسیم می کند. بر پایه این تقسیم اخیر؛ می توان کل فرایند را به دو بخش با التفات و توجه و بدون التفات و توجه تقسیم کرد. الف) آنانی که فقط معقولات را می گیرند؛ یا بقیه فرایند در آنها رخ نمی دهد یا اینکه التفات و توجه به آن ندارند و ب) آنانی که فقط جزئیات را می گیرند؛ و به بخش اول فرایند التفات و توجه ندارند.

بدین ترتیب می توان بخش پایانی قطعه یادشده در مبادی آراء اهل المدينة الفاضلة را وجه جمع برای انواع وحی که در فصول منتزعة و السیاسة المدنیة و الملة یاد کرده است به شمار آورد و وحی به جزئیات را ناظر به عدم توجه و التفات به بخش نخست فرایند وحی؛ یعنی وحی از عقل فعال به ناطقه تلقی کرد. ج) این امکان هم وجود دارد که وحی قوه را ناظر به بخش اول از فرایند یادشده به شمار آورد. د) چنان که وحی ترکیبی را هم می توان از ترکیب های یادشده در بخش پایانی قطعه مورد نظر از مبادی آراء اهل المدينة الفاضلة به شمار آورد. با چنین تحلیلی نظریه های وحی فارابی در فصول منتزعة و السیاسة المدنیة و الملة به گونه ها و مراتب وحی تأویل می رود و یک نظریه جامع و مرجع وحی بر پایه فرایند یادشده در مبادی آراء اهل المدينة الفاضلة قابل استنباط است.

پنجم؛ تحلیلی که فارابی در شرح رساله زینون ارائه می کند را نیز می توان به عنوان تفسیری بر مقدمه یا بخش اول فرایند به شمار آورد. در شرح رساله زینون می گوید نفس قدسی پیامبر مطالب را دفعة واحدة دریافت می کند. این دریافت دفعة واحدة می تواند ناظر به دریافت ناطقه؛ یعنی حقیقت نفس و جان آدمی از عقل فعال باشد که دفعة واحدة

و بلازمان رخ می دهد و به تدریج در جان پیامبر می شکفت و گسترش می یابد. می توان دریافت دفعه واحده را به نسبت عقل مستفاد و عقل فعال و حلول عقل فعال در عقل مستفاد و یا ارتقای عقل مستفاد به مرتبه عقل فعال تفسیر کرد. بدین ترتیب نظریه جامع وحی فارابی بر حول نظریه ارائه شده در مبادی آراء اهل المدينة الفاضلة قابل بازسازی بوده و دیگر نظریات، اجزای این نظریه اصلی شده و آن را تکمیل می کنند. چنین تفسیری از نظریه وحی فارابی، تفسیر جدیدی است که با توجه به تفاوت نظریه های متعدد او امکان پذیر شده است و، مانند معمول دیگر جمع ها، با جرح و تعدیل همراه است.

بازسازی/ برسازی نظریه جامع فارابی:

نفس قدسی پیامبر حقایق عقلی الهی را دفعه واحده دریافت می کند. این دریافت دفعه واحده ناظر به دریافت ناطقه؛ یعنی حقیقت نفس و جان آدمی از عقل فعال است. این دریافت؛ دفعه واحده و بلازمان رخ می دهد و به تدریج در جان پیامبر می شکفت و گسترش می یابد. دریافت دفعه واحده؛ بیان دیگری از ارتقای عقل مستفاد به مرتبه عقل فعال یا حلول عقل فعال در عقل مستفاد است. شکفتن و گسترش دریافت یادشده در جان پیامبر به صورت افاضه عقل فعال به عقل مستفاد و سرریز از ناطقه نظری و عملی به متخیله و از متخیله به حس مشترک و از حس مشترک به حواس و ... روی می دهد.

در این فرایند، معقولات افاضه می شود و متخیله معقولات را به جزئیات تبدیل می کند. تمامی این فرایند به دو بخش: اول؛ با التفات و توجه و دوم؛ بدون التفات و توجه تقسیم می شود. ازین رو برخی فقط معقولات را می گیرند و برخی فقط جزئیات را می گیرند. وحی قوه هم ناظر به بخش اول از فرایند یادشده است یعنی نفس قدسی پیامبر مطالب را دفعه واحده دریافت می کند. گذشت که دریافت دفعه واحده؛ بیان دیگری از ارتقای عقل مستفاد به مرتبه عقل فعال یا حلول عقل فعال در عقل مستفاد است. وحی ترکیبی هم ترکیبی از ترکیب های یادشده در بخش پایانی قطعه مورد نظر از مبادی آراء اهل المدينة الفاضلة است.

دیدگاه های ابن سینا در تبیین وحی

تحلیل های ابن سینا درباره وحی به دو گروه کلی تقسیم می شوند:

در گروه نخست که می توان آنها را در الشفاء، النجاة، الاشارات و التنبيهات؛ نمط های سوم و دهم، المبدأ و المعاد، رسالة الفعل و الانفعال، رسالة فی النفس و بقائها و معادها ملاحظه کرد؛ ابن سینا وحی و نبوت را به تقریب در چارچوب سه گانه ذیل تحلیل می کند: اول؛ کمال قوه عقلی که ابن سینا آن را با قوه حدس تبیین می کند؛ دوم؛ کمال قوه خیال؛ سوم؛ کمال قوه متصرفه/محركة. تحلیلی که ابن سینا از ویژگی دوم ارائه می کند متفاوت است و تقریباً دو دسته است. در یک دسته افاضات عقل فعال در فرایندی مشابه فرایند مورد نظر فارابی در مبادی آراء اهل المدينة الفاضلة در وجود پیامبر تبدیل به جزئیات می شود. در دسته دوم افاضات عقل فعال از طریق کائنات یا ... قبل از تحویل شدن به پیامبر تبدیل به جزئیات می شوند (یزدانی مقدم، جایگاه وحی در فلسفه سیاسی، ص ۱۶۲-۱۷۹).

گروه دوم از تحلیل های ابن سینا بیشتر تفسیر حقیقت وحی و کلام و توضیح فرایند وحی بر این پایه است و به مثابه تفسیر دیدگاه های فارابی، در السیاسة المدنية و الملة و به ویژه شرح رساله زینون تلقی می شود.

اول؛ بنا بر تحلیل ابن سینا، در رسالة فی قوی الانسانية و ادراکاتها، روح انسانی همچون آئینه است. اگر این آئینه از جانب الهی اعراض نکرده باشد؛ با فیض الهی، معقولات در این آئینه ارتسام خواهند یافت. روح پاک و قدسی، معقولات را از روح ملکی پذیرا می شود. ذات حقیقی ملائکه از عالم امر است. از قوای بشری، روح قدسی انسانی، که متعلق به عالم امر است، با ملائکه ملاقات می کند. هنگامی که روح قدسی و ملائکه مخاطب کنند، حس باطن و ظاهر انسان به بالا جذب می شود و ملائکه برای روح قدسی، به مقدار تحمل آن، تمثّل می یابند و انسان مَلک را، گرچه نه به صورت حقیقی، می بیند و کلام مَلک را می شنود. وحی، مراد مَلک را، بدون واسطه، برای روح انسانی آشکار می کند. در وحی، کلام مَلک، کلام حقیقی است. زیرا کلام یعنی به تصویر درآوردن آنچه در باطن متکلم است، برای مخاطب.

کلام برای آن است که متکلم می خواهد آنچه در باطن اوست به باطن مخاطب منتقل شود و این کار نیازمند واسطه است. از این رو متکلم به وسیله ای مانند صوت متوسل می شود. هنگامی که مخاطب روحی است که حجابی بین او و مَلک نیست و مَلک برای آن روح، به مانند خورشید بر آب صاف، تجلی می کند؛ روح از آن تجلی نقش گرفته و این نقش به حس باطن منتقل می شود. اگر این نقش قوی باشد حس باطن آن را مشاهده می کند. بنابراین موحی الیه با باطن

خود به مَلَك متصل می شود و وحی را با باطن خود می گیرد و مَلَك برای او، به صورت محسوس و دیدنی، تمثّل یافته و کلام مَلَك، به صورت صداهاى شنیدنی، تمثّل می یابد. تفاوت این تحلیل با تحلیل های گروه اول، تاکید بر تفسیر و معنای کلام است.

دوم؛ ابن سینا، در الرسالة العرشية، مفاهیم به کار رفته در رسالة فی قوی الانسانية و ادراکاتها را بسط می دهد. در تحلیل ابن سینا؛ کلام الهی، یا فیضان علوم الهی، مَلَك مقرب است؛ یعنی علوم خاصی برای پیامبر است. این علوم وحدت حقیقی دارند اما در قوای ادراکی پیامبر، تکثّر می یابند. وحی القاء بلازمان به پیامبر است. بدین ترتیب در تحلیل ابن سینا تفاوتی میان کلام خداوند و علوم خاص و قلم و عقل فعال نیست. می توان برای بیان کیفیت وحی از مثال افتادن تصویری که مقابل آئینه قرار دارد در آئینه استفاده کرد.

سوم؛ ابن سینا، در الرسالة فی اثبات النبوات، مفاهیم یاد شده در دو تحلیل پیشین را توضیح بیشتری می دهد و بیانی دارد که نتیجه آن این است که وحی افاضات عقلی بدون واسطه است و مَلَك آن قوه افاضه شده است و افاضه عقل کلی، به طور بالعرض، از او جاری شده و قابل رویت پیامبر می شود. ملائکه به جهت معانی مختلف به اسامی مختلف نامیده می شوند در حالی که همه آنها یکی هستند و تجزیه بالعرض آنها ناشی از تجزیه در قوای ادراکی قابل، یا پیامبر، است. رسول مبلّغ افاضه و حیانی در جامه عبارت است تا با آرای او صلاح عالم حسی با سیاست و صلاح عالم عقلی با علم حاصل آید. این تحلیل، توسعه همان تحلیل الرسالة العرشية است. همچنین به نسبت پیامبری و رسالت و سیاست تصریح می کند.

چهارم؛ از نظر ابن سینا در التعليقات؛

الف) نفس در مقام مفارقت؛ از عقول فعال کمالی دریافت می کند که از لوازم آن کمال، معقولات هستند. در نتیجه اشیاء دفعة برای نفس متجلی می شوند. بدین ترتیب پیامبران از عقل بسیط برخوردارند. عقل بسیط آن است که دارنده آن معقولات را دفعة واحدة تعقل کند و همه معقولات جملة واحدة و دفعة واحدة در نزد او باشد به طوری که با شنیدن یک قضیه، حدّ وسط برای او حاضر باشد.

ب) نفس در مطالعه ملکوت با قوای خیالی و وهمی و مانند آنها همراه نیست. عقل فعال معنای کلی را به طور دفعة واحدة و بدون تفصیل و تنظیم بر نفس افاضه می کند. آن معنای کلی، از نفس به قوه خیال سرریز شده و به طور مفصل و منظم و با عبارات مسموع و منظوم، متخیل می شود. عقل فعال، در افاضه وحی به نفس، محتاج قوه تخیل نیست تا لازم باشد که با الفاظ مسموع و مفصل با نفس گفتگو کند. بنابراین در التعليقات؛ وحی به صورت دفعة واحدة دریافت می شود و نه به صورت تدریج و تقطیع؛ وحی را نفس دریافت می کند و نه قوای نفس؛ وحی با سرریز از نفس به قوای نفس در قوای نفس صورت متناسب آن قوا را به خود می گیرد؛ در القای وحی به صورت دفعة واحدة از آنجایی که حدّ وسط در اختیار پیامبر قرار گرفته است در قضایایی که پیش می آید نیاز به فکر و ترتیب قیاس نبوده و با حدس مصاب، به نتیجه منتقل می شود.

گفتار ابن سینا در التعليقات می تواند وجه جمع میان نظریه های وحی ابن سینا و فارابی به شمار آید. بدین ترتیب مجموعه نظریات ابن سینا، با جرح و تعدیل، قابل ارجاع به نظریات فارابی است و بر این پایه می توان از یک نظریه جامع و مرجع وحی در نزد فارابی و ابن سینا سخن گفت.

بازسازی/ برسازی نظریه جامع ابن سینا:

با فیض الهی، معقولات در روح انسانی، که همچون آئینه است، ارتسام می یابند. بدین ترتیب که موحی الیه با باطن خود به مَلَك متصل می شود و وحی را با باطن خود می گیرد و مَلَك برای او، به صورت محسوس و دیدنی، تمثّل یافته و کلام مَلَك، به صورت صداهاى شنیدنی، تمثّل می یابد(شرح بر السياسة المدنية و مبادی آراء اهل المدينة الفاضلة است). مَلَك مقرب؛ کلام الهی یا فیضان علوم الهی است. این علوم وحدت حقیقی دارند (: علم یا عقل بسیط) اما در قوای ادراکی پیامبر، تکثّر می یابند. وحی القاء بلازمان به پیامبر است. بنابراین وحی افاضات عقلی بدون واسطه است.

بدین ترتیب نفس کمالی دریافت می کند که از لوازم آن کمال، معقولات هستند. در نتیجه اشیاء دفعة برای نفس متجلی می شوند. به بیان دیگر پیامبران از عقل بسیط برخوردار می شوند. عقل بسیط آن است که دارنده آن، معقولات را دفعة واحدة تعقل کند و همه معقولات جملة واحدة و دفعة واحدة در نزد او باشد (تا اینجا شرح بر رساله زینون فارابی است) به طوری که با شنیدن یک قضیه، حدّ وسط برای او حاضر باشد (همان نظریه مشهور حدس). عقل فعال معنای کلی را

به طور دفعة واحدة و بدون تفصیل و تنظیم بر نفس افاضه می کند (جمع میان رساله زینون فارابی و اوائل بحث در مبادی آراء اهل المدينة الفاضلة است). آن معنای کلی، از نفس به قوه خیال سرریز شده و به طور مفصل و منظم و با عبارات مسموع و منظوم، متخیل می شود (همان ادامه فرایند مبادی آراء اهل المدينة الفاضلة است).

تقریر نظریه آئینگی وحی الهی

می توان از امکاناتی که از بازسازی/ برسازی نظریه جامع فارابی و ابن سینا فراهم آمد برای تقریر نظریه آئینگی وحی الهی استفاده کرد. تقریر نظریه به قرار ذیل است: وحی دو چهره دارد یک چهره این سویی (: عالم خلق) و یک چهره آن سویی (: عالم امر).

در چهره آن سویی (ناظر به شرح رساله زینون، السیاسة المدنية، الملة، فی القوى الانسانية و ادراکاتها، الرسالة العرشية، الرسالة فی اثبات النبوات، التعليقات)؛ نفس پیامبر، در نسبت و قرب خاصی با حق تعالی، در تحولی درونی کمالی می یابد و الفاء معقولات به صورت عقل بسیط، به صورت دفعة واحدة و الفای قوه، به او انجام می شود و او حقایق عقلی الهی را، همچون آئینه ای، به صورت عقل بسیط دریافت می دارد.

در چهره این سویی (ناظر به مبادی آراء اهل المدينة الفاضلة، فی القوى الانسانية و ادراکاتها، الرسالة العرشية، الرسالة فی اثبات النبوات، التعليقات) در عالم خلق آن امر مکمون و مکنون در وجود پیامبر به تدریج شکوفا می شود. این دو چهره با دو گونه نزول دفعی و تدریجی قرآن به قلب مبارک پیامبر شباهت دارند.

بدین ترتیب وحی از افاضه عقل فعال به عقل مستفاد آغاز می شود. این افاضه به صورت دفعی است و با ناطقه نظری دریافت می شود (ناظر به مبادی آراء اهل المدينة الفاضلة). این افاضه دفعی یا عقل بسیط به مرور به تناسب فرهنگ، تمدن و اجتماع و... در پیامبر تفصیل می یابد. تحول یاد شده و عقل بسیط همان دریافت دفعة واحدة و دریافت قوه؛ و عقل تفصیلی همان بسط حقایق دریافتی در ناطقه نظری و در مراتب بعد در ناطقه عملی و متخیله پیامبر است. بدین ترتیب پیامبر در آئینه وجود خود علوم الهی را دریافت می دارد و، به تناسب امکانات این آئینه (اعم از شخصی اجتماعی فرهنگی تاریخی تمدنی)، علوم الهی را به وحدت یا به تجزیه یا به هر دو صورت می گیرد. ممکن است بخش هایی از این فرآیند در بیداری و بخش هایی در خواب و بخش هایی خودآگاهانه و با التفات و بخش هایی هم ناخودآگاهانه و بدون التفات تحقق پیدا کند و این بستگی به کمال روحی موحی الیه دارد.

برخی شواهد نظریه

اول؛ بخشی از این نظریه، بازخوانی و بازسازی/ برسازی و هم افزایی دیدگاه های موجود در فلسفه سیاسی اسلامی است.

دوم؛ بخشی دیگر از نظریه، وحی الهی را بدین گونه تبیین می کند که حقایق الهی که حقایق کلی عقلی است بر پیامبر افاضه و متناسب ظرفیت وجودی پیامبر نازل شده است و آیات قرآن کریم (: «و إن من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم» سوره مبارکه حجر؛ آیه کریمه ۲۱؛ «و کذلک أوحینا إلیک روحاً من أمرنا» سوره مبارکه شوری؛ آیه کریمه ۵۲؛ «یُلَقِی الروح علی من یشاء» سوره مبارکه غافر؛ آیه کریمه ۱۵؛ ینزل الملائكة بالروح من أمره علی من یشاء»؛ سوره مبارکه نحل؛ آیه کریمه ۲) و مباحث جهان شناسانه و معرفت شناسانه بر آن دلالت می کند. مباحث جهان شناسانه و معرفت شناسانه موکول به محل خود است و در این نظریه مفروض گرفته شده است (نک: یزدانی مقدم، جایگاه وحی در فلسفه سیاسی، ص ۳۶-۴۴ و ۱۴۵-۱۵۰).

سوم؛ بخشی دیگر از نظریه در باب تشریع می گوید: تشریع از مبانی و مقاصد عقلی برخوردار است. این بخش علاوه بر ارجاع به منابع، لازمه حکیم دانستن حق تعالی و دیگر اسماء و صفات حسناى اوست.

چهارم؛ بخشی دیگر از نظریه می گوید احکام شرع مقدس در زمان ها و مکان های متفاوت ممکن است متفاوت باشند. این بخش هم علاوه بر ارجاع به دیدگاه فقیه بزرگ معاصر امام خمینی(ره) قابل استناد به آیات و روایات و استدلال های عقلی است.